

الحمد لله
والصلاة والسلام
على محمد وآله



اللهم صل على محمد وآل محمد وعجل فرجهم

منطق

۹۱۶۶۰۱۴۰۸۵
شهرستان دشت آزادگان
دبیر منطق و فلسفه

۱۱۰۲۲۲



تهیه و تنظیم :

حیدر جلالی

دبیر منطق و فلسفه

شهرستان دشت آزادگان



headerjalaly@yahoo.com ۰۹۱۶۶۰۱۴۰۸۵

عنوان درس اول منطق ترازوی اندیشه

مغالطه

منطق





۱

اهمیت و تعریف منطق

۲

حیطه کاربرد منطق

۳

دو بخش اصلی منطق

(تعریف و استدلال)

«تعریف منطق» :

علمی که در پی جلوگیری
از خطای اندیشه است.



گوشش

منطق دانان



- با بررسی انواع خطاهای ذهن و دسته بندی آنها، راه های جلوگیری از آنها را نشان دهند.
- قواعدی را که باید رعایت کنیم تا دچار خطای فکری یا اصطلاحاً مغالطه (سفسطه) نشویم، مشخص کرده اند.



حکایت :

در یونان باستان ، استادی که به شاگرد خود شیوه های موفقیت در وکالت را آموزش می داد ، با او قرار گذاشت که حق الزحمه خود را پس از پیروزی در اولین دادگاهی که شاگردش در آن شرکت خواهد کرد، دریافت کند.

استاد پس از چند جلسه تدریس، شاگرد خود را به دادگاه برد و از وی شکایت کرد که حق الزحمه وی را نمی دهد.



استاد مدعی بود که دادگاه یا حق را به جانب وی می دهد که در این صورت شاگرد موظف است حق الزحمه او را بپردازد، یا آنکه حق را به جانب شاگرد خواهد داد، که در این صورت بر اساس قراردادی که میان آنها وجود دارد، چون شاگرد در اولین دادگاهی که در آن شرکت کرده پیروز شده است، موظف است تا حق الزحمه او را بپردازد! بنابراین نتیجه دادگاه هرچه باشد، شاگرد باید حق الزحمه او را فوراً بپردازد.

□ این داستان نمونه ای از یک مغالطه است. به نظر شما استدلال

استاد چه اشکالی دارد؟



شاگرد گفت :

نتیجه دادگاه هر چه باشد، من نباید حق الزحمه استادم را پرداخت کنم.

زیرا یا دادگاه مرا تبرئه و حکم می کند که نباید پولی بپردازم یا

مرا محکوم خواهد کرد که در این صورت براساس قراردادی که

میان ما وجود دارد، چون در دادگاه پیروز نشده ام، نباید پولی

بپردازم؛ بنابراین نتیجه دادگاه هر چه باشد، من نباید پولی بپردازم!

□ آیا می توانید اشکال استدلال شاگرد را مشخص کنید؟



□ استاد از مغالطه ذوحدین جعلی (دایلمای کاذب) استفاده کرده است.

□ او این گونه استدلال می کند:

□ اگر دادگاه به نفع من رأی دهد (بر اساس حکم دادگاه) باید پول من پرداخت شود.

□ اگر دادگاه به نفع من رأی ندهد (بر اساس قرارداد) باید پول من پرداخت شود.

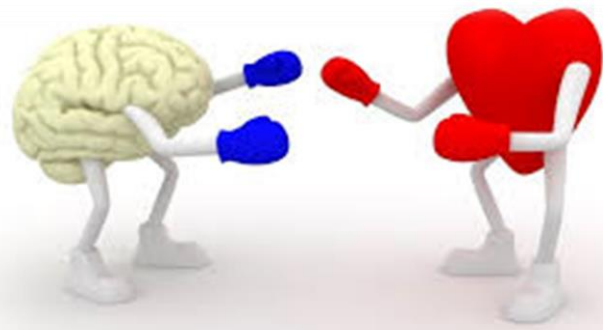
□ چنان که می بینید مبنای وی در مورد اول است؛ « حکم دادگاه » است

□ اما در مورد دوم مبنای خود را عوض کرده است و دیگر به حکم دادگاه اهمیت

نمی دهد! و این بار مبنای وی « قرارداد » است. بدین ترتیب وی با تغییر مبنای

خود، در هر بار فقط قسمتی را که به نفع اوست، می پذیرد. (منبع : کتاب راهنمای معلم)

شاگرد وی نیز برای نشان داده مغالطه استاد، مشابه استدلال وی را انجام می دهد و این بار دو حالت دیگر را که به نفع خود اوست انتخاب می کند.



□ « مغالطات » بیماری هایی هستند که باید از

دچار شدن به آنها برحذر بود.

□ پس دانستن « مغالطات » برای منطق دان لازم است تا بتواند با آنها مبارزه کند.

□ همان گونه که در علم پزشکی انواع بیماری ها و روش های پیشگیری و درمان آنها

را بیان می کنند، در علم منطق نیز به همراه بیان قوانین حاکم بر ذهن، روش های

جلوگیری از مغالطات را بیان می کنند.



تأکید منطق بر آموزش شیوه درست اندیشیدن



است تا از این طریق قادر به تشخیص خطاهای

ذهن که بیشمارند، باشیم.

□ ذهن انسان به صورت طبیعی بر اساس قواعدی می اندیشد.

□ منطق دانان این قواعد را کشف کرده اند و به صورت علم منطق در اختیار ما

قرار داده اند.



□ گرچه ذهن انسان به طور طبیعی منطقی رفتار می کند و بدون دانستن نامهای این قواعد، آنها را در زندگی خود به کار می برد؛ اما ذهن همواره در معرض لغزش قرار دارد و معمولاً در استدلالهای پیچیده یا تعریف دقیق اصطلاحات خاص، دچار اشتباه می شود.

□ به همین دلیل با به کارگیری علم منطق که به دسته بندی و توضیح قواعد ذهن می پردازد، سریع تر و دقیق تر می توان عوامل لغزش و خطای ذهن را تشخیص

□ منطق علمی کاربردی است که تبخّر در آن به تمرین و ممارست نیاز دارد.

□ منطق علمی کاربردی است که تبخّر در آن به تمرین و ممارست نیاز دارد. آموختن منطق مانند آموختن دوچرخه سواری است که باید به صورت عملی فراگرفته شود و خواندن دستورالعمل های نظری، فرد را تبدیل به دوچرخه سواری ماهر نمی کند.





❑ دانش منطق، ابزاری در خدمت سایر علوم است.

❑ منطق مانند سیستم های کنترلی یک خودرو است

که میزان بنزین، سرعت حرکت و گرمای موتور را

به ما نشان می دهند و در مقابل مشکلات به ما هشدار می دهند؛

اما باعث حرکت خودرو نمی شوند.

❑ منطق را به شاقول بنایی تشبیه کرده اند که به کارگیری آن باعث

پدید آمدن بنای فکری مستحکمی می شود؛ اما آجرها و مواد لازم

برای ساختن این بنا را باید از علوم دیگر تهیه کرد.





□ دانستن منطق تنها برای ارزیابی اندیشه های فلسفی به کار نمی رود؛
بلکه هر یک از ما در سراسر زندگی خود بدان نیازمندیم؛ زیرا
می خواهیم درست فکر کنیم و درست تصمیم گیری کنیم.

□ ما هر روزه مطالبی را برای دوستانمان بیان می کنیم؛
برای متقاعد کردن آنان دلیل می آوریم و می کوشیم
تا در تعلیم و تعلّم دچار خطا نشویم یا در داد و ستد،
فریب کلاهبرداران را نخوریم.



- امروزه با فراگیر شدن رسانه ها و همچنین حجم انبوه اطلاعات صحیح و غلط، بیش از پیش نیازمند علمی هستیم که شیوه های جلوگیری از خطای اندیشه را به ما آموزش دهد.
- معمولاً نشریات مختلف در بسیاری از عناوین و مطالب خود، استدلال هایی را به نفع عقاید مورد نظرشان مطرح می کنند.
- اغلب آگهی های تجاری نیز نوعی استدلال هستند که می خواهند مخاطب را به این نتیجه برسانند که فلان کالا را بخرید اینها نمونه هایی هستند که برای بررسی درستی و نادرستی آنها به منطق نیازمندیم.

بنابراین استدلال آوری و تعریف کردن صحیح، اموری نیستند

که تنها در محیط تحصیلی، با آنها
سر و کار داشته باشیم.

این امور بخشی از

سخنان روزانه ما را تشکیل

می دهند.





حکایت :

استادی منطق را به شاگردان خود تعلیم داد
و از ایشان خواست تا به بازار شهر بروند و
ببینند که مردم تا چه اندازه با منطق آشنا
هستند و آیا از آن استفاده می کنند؟

شاگردان پس از بازگشت گفتند: هیچ کس در بازار منطق نمی دانست، زیرا کسی حتی
یک اصطلاح منطقی نیز در بازار به کار نمی برد.
استاد گفت: پس منطق را به خوبی نیاموخته اید!
وی بار دیگر مباحث منطقی را به آنها تعلیم داد و مجدداً درخواست خود را تکرار کرد.

این بار شاگردان پس از بازگشت گفتند که تمامی مردم به طور طبیعی منطق می دانند و بیش و کم از آن استفاده می کنند؛ اما از اصطلاحات آن بی اطلاع اند.

استاد گفت: اکنون منطق را به خوبی آموخته اید.

شما نیز اگر در پایان سال تحصیلی، احساس کردید که تنها چند اصطلاح جدید حفظ کرده اید و موارد کاربرد آنها در زندگی خود را نیافته اید، بدانید که منطق را به درستی نیاموخته اید.

□ هدف حکایت آن است که نشان دهد، آموختن منطق، آموختن مجموعه ای از اصطلاحات نیست؛ بلکه از آنجا که ذهن انسان به طور طبیعی بر اساس قواعدی می اندیشد، منطق به بیان این قواعد می پردازد تا بهتر و درست تر فکر کنیم و نه آنکه منطق دان به نحو دیگری می اندیشد که مردم عادی آن گونه نمی اندیشند. بنابراین، این حکایت بیانگر آن است که منطق کارکرد طبیعی ذهن ماست.

□ همچنین این حکایت تذکر می دهد که خودمان را در اصطلاحات و تعاریفات منطقی غرق نکنیم و در همه حال متوجه کاربرد و استفاده صحیح از علمی که می خوانیم، (منطق) باشیم. (منبع : کتاب راهنمای معلم)

منطق برای جلوگیری از خطای ذهن پدید آمده است.



به خطای ذهن به معنای عام آن مغالطه (سفسطه) می گویند.



مغالطات مانند بیماری هایی هستند که برای پیشگیری یا درمان آنها، نیازمند شناخت آنها



هستیم .

علم منطق قوانین حاکم بر ذهن ما را بیان می کند (قوانین منطقی، قواعد طبیعی ذهن ما



هستند که کشف شده اند، نه اختراع)



خلاصه مطالب

قبلی

□ (منبع : کتاب راهنمای معلم)

دانستن منطق به ذهن کمک می کند تا در روندی که به طور طبیعی طی می کند، دچار اشتباه نشود



منطق علمی کاربردی و نیازمند کسب مهارت است؛ مانند رانندگی یا دوچرخه سواری.



منطق در همه رشته ها و همه بخش های زندگی ما کاربرد دارد و تنها مخصوص رشته فلسفه نیست .



منطق علمی ابزاری (علمی آلی) است، نه علمی که حقایق هستی را بیان می کند. به عبارت دیگر منطق مانند شاقول (تراز) بنایی و ترازوی مغازه داران و سیستم های کنترلی خودرو است و مانند مصالح ساختمانی یا مواد غذایی یا موتور اتومبیل نیست



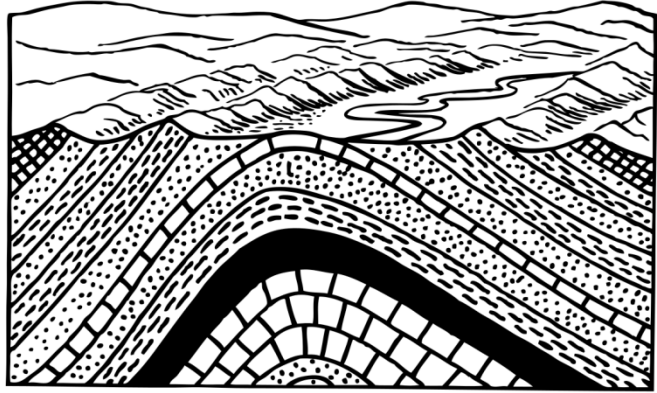
(منبع : کتاب راهنمای معلم)

دو بخش اصلی منطق

تصدیق

تصور

برای آشنایی با دو حیطة اصلی منطق، لازم است به تفاوت **تصور و تصدیق** توجه کنیم.



بدین منظور به سؤالات زیر پاسخ دهید:

□ آیا می دانید **تاقدیس** چیست؟

□ آیا می دانید **سیمرغ و سی مرغ** چه هستند و چه تفاوتی با هم دارند؟



تصور

□ مانند درک ما از سیمرغ، درخت،
مثث قائم الزاویه و مانند آن.

تصدیق

جملاتی مانند:

« درختان در روز اکسیژن تولید می کنند »

« مثث قائم الزاویه سه زاویه مساوی ندارد »

تصدیق

در تصدیقات، حکم و قضاوت وجود دارد
و در آنها اوصافی را به چیزی نسبت یا
از آن سلب می کنیم.

تصور

در این حالت به واقعیت داشتن یا
نداشتن یا ارتباط این تصور با سایر
امور، کاری نداریم و تنها همان تصور
را به ذهن می آوریم.

خوزستان

خوزستان دین خود را به اسلام ادا کرد.

جمله
خبری
صادق

نشانه

یک یا
چند کلمه

تصویر تصدیق

گرخه و کارون در خوزستان

گرخه و کارون در حال خشک شدن هستند.



از میان موارد زیر تصور و تصدیق را مشخص کنید:

سیمرغ

سیمرغ پرنده ای افسانه ای است.

دانا

توانا بود هر که دانا بود.

اگر کسی تاکنون **میوه دارابی** را ندیده باشد و پرسد که « **دارابی چیست؟** »
چه پاسخی به وی می دهیم؟



قاعداً سعی می کنیم به کمک آنچه تاکنون دیده است، دارابی را برای
وی توصیف کنیم.

مثلاً می گوییم: یکی از مرکبات است و از نظر مزه چیزی بین **پرتقال** و
نارنگی است و معمولاً پوستی **سبز** رنگ دارد و...



اگر کسی تصویری از **بلیت الکترونیکی اتوبوس** نداشته باشد،

چگونه می توانیم آن را به وی معرفی کنیم؟

□ برای این کار نیز از **تصویرات معلوم** وی استفاده می کنیم

شیء جدید را برای وی توصیف می کنیم؛

مثلاً می گوئیم **بلیت الکترونیکی** به جای بلیت های کاغذی استفاده می شود

و چیزی **شبيه کارت بانکی** است که با قرارداد آن بر روی دستگاهی که در اتوبوس

ها یا ایستگاه های اتوبوس درون شهری نصب شده است، از مبلغی که در آن ذخیره

کرده اید کم می شود، با این کار یک تصور مجهول را به کمک چند تصور معلوم

«**تعریف**» کرده ایم.



اگر به شما که شنا بلد نیستید بگویند :

«اگر شنا بلد نباشید، وارد شدن به قسمت پر عمق استخر

خطرناک است» چه نتیجه ای می گیرید ؟

اگر کسی نداند که «بلیت های الکترونیکی در وقت و هزینه ما صرفه جویی می کنند»

چگونه می توانیم درستی این جمله را برای وی ثابت کنیم؟

□ برای این کار از تصدیق های معلوم وی استفاده می کنیم و از طریق «استدلال»

درستی تصدیق جدید را به او نشان می دهیم؛

□ مثلاً می توانیم برای وی مزایای این نوع بلیت را نسبت به بلیتهای کاغذی برشماریم. با این کار

یک تصدیق مجهول را به کمک تصدیق های دیگر معلوم ساخته ایم.



به کمک « استدلال » از

تصدیقه‌های معلوم به کشف

تصدیق‌های مجهول

دست می‌یابیم.



به کمک « تعریف »

از تصوره‌های معلوم

به شناخت

تصوره‌های مجهول

دست می‌یابیم.



تصورهای معلوم

تصورهای مجهول



تصور



تصدیق‌های معلوم

تصدیق‌های مجهول



تصدیق

تعریف دو بخش اصلی علم منطق استدلال



در آن روش صحیح

« **استدلال کردن** »

بیان می شود و به ما کمک

می کند تا از **استدلال** اشتباه

پرهیز کنیم.



در آن روش صحیح

« **تعریف کردن** »

بیان می شود و به ما کمک

می کند تا از **تعریف** اشتباه

پرهیز کنیم.

استدلال

معمولا متشکل از دو
جمله یا بیشتر است



پس، هرگاه، اگر، چرا
چون، زیرا،
از نشانه های آن است.

تعریف

معمولا جنبه
توصیفی دارد



در آخر آن نشانه
(چیست؟) و یا در
ابتدا نشانه (یعنی)

نشانه های تشخیصی



مشخص کنید که کدما میک از موارد زیر **تعریف** و کدما میک **استدلال** هستند:
چون قاشق چوبی گرما را منتقل نمی کند، غذا را با آن هم بزنی دست نمی سوزد.

منطق علمی است که از خطای ذهن جلوگیری می کند.

معلم ما در کلاس است؛ پس در خانه اش نیست.

ترابری یعنی حمل و نقل کالا یا مسافر از جایی به جای دیگر.





۱- جملاتی که با «چيست» پايان مي پذيرند و جملاتی که با « چرا »

آغاز مي شوند با کدام يك از دو مبحث اصلي منطق ارتباط دارند.

۲- از ميان موارد زير تصور ها و تصديقهها را مشخص كنيد:

منطق معيار تفكر است، منطق، تصديق بخشي از علم است، كوه سهند،

ارتفاعات كوه سهند، كوه سهند مرتفع است.

۳- اگر ذهن انسان به طور طبیعی بر اساس قواعدی می اندیشد، چه نیازی به خواندن منطق داریم و چرا به صرف خواندن کتابهای منطق از خطای ذهن مصون نمی مانیم؟

۱

با وجود آنکه منطق قانون طبیعی ذهن ماست، نیازمند خواندن منطق هستیم؛ زیرا ذهن در معرض لغزش قرار دارد و در مواجهه با استدلالات پیچیده یا تعریف مفاهیم تخصصی قادر به تشخیص سریع اشتباهات نیستیم.

۲

استفاده از منطق نیازمند به دست آوردن نوعی مهارت است و بدون تمرین و ممارست نمی توان به صورت مناسب و به موقع از آن استفاده کرد

۳

گاهی انسان تحت تأثیر عوامل روانی و احساسی قرار می گیرد و عواطف و احساسات وی بر عقل او سایه می افکند

پیام از حسن توجه شما

headerjalaly@yahoo.com

09166014085